



شش روز خلقت

خداوند در هفت جای قرآن، به مضمون **الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ** اشاره به این دارد که این آسمان و زمین را در شش روز آفریده. اما روز در معانی مختلفی بکار میرود.

یک معنی مقابل شب است، چنانکه خداوند میفرماید **سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا**.

در یک معنی به مجموع شب و روز یعنی 24 ساعت اطلاق میشود، مانند داستان صالح (ع) **فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ**.

در یک معنی به مدت بسیاری که هر چند طولانی باشد گفته میشود، مانند قول خداوند که میفرماید: **تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ**.

در یک معنی وقت مطلق را در نظر گرفته اند، مانند **كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ**.

در یک معنی مراتب و مراحل را مد نظر میگیرند، مانند آیات مورد بحث: **الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ** و مسلم است آن شش روز مانند شش روزی که در زمین میگذرانیم نیست و ربطی به دوران شمس و قمر دنیا ندارد، چرا که هنوز ایجاد نشده بودند.

اما شش روز مذکور دارای دو معنی است، یک معنی آن لحاظ کردن وقت بوده و دیگری لحاظ رتبه و مرحله است، چنانکه مرحوم کرمانی اع در قرآن محشی، **اوقات و اطوار را در کنار آیه و هو الذی خلق السموات و الارض فی ستة ایام** نگاشته اند.

در معنی و برداشت وقت از شش روز مذکور، لازم به ذکر است که خود قرآن تفصیل بیشتری به این آیه

داده و در دو آیه میفرماید:

قُلْ أَ إِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَ تَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ یعنی بگو: آیا شما به آن کسی که زمین را در دو روز آفرید کافر هستید و برای او همانند هائی قائل می‌شوید؟ او پروردگار جهانیان است.

و فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا یعنی: پس آنها را به صورت آسمانهای هفت‌گانه در دو روز استوار کرد و در هر آسمانی امرش را وحی نمود.

و در حدیث امام صادق علیه السلام میخوانیم عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَيْرَ يَوْمَ الْأَحَدِ وَ مَا كَانَ لِيَخْلُقَ الشَّرَّ قَبْلَ الْخَيْرِ وَ فِي يَوْمِ الْأَحَدِ وَ الْإِثْنَيْنِ خَلَقَ الْأَرْضَيْنِ وَ خَلَقَ أَقْوَاتَهَا فِي يَوْمِ الثَّلَاثَاءِ وَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ خَلَقَ أَقْوَاتَهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ - خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ یعنی: عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام شنید که میفرمایند، خداوند خیر را در روز یکشنبه آفرید و شر را قبل از خیر نیافریده بود، و در روز یکشنبه و دوشنبه زمین ها و توشه های آن را خلق کرد. و در روز چهارشنبه و پنجشنبه آسمان ها را آفرید و توشه های آن را در روز جمعه خلق نمود و آن قول خداوند عز و جل است که میفرماید، آسمان و زمین و آنچه ما بین آن است را در شش روز آفرید.

و در آیه دیگری میخوانیم : وَ جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَ بَارَكَ فِيهَا وَ قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلنَّاسِ لَيْنٍ یعنی: او در زمین کوههایی قرار داد، و برکاتی در آن آفرید، و مواد غذایی مختلف آن را مقدر فرمود، اینها همه در چهار روز بود، درست به اندازه نیاز تقاضا کنندگان.

اما در جمع آیات و احادیث فوق، عرض میکنم:

همانطور که در ابتدا گفته شد، این ایام مانند ایام متصور ما در زمین نیست چرا که در آن هنگام هنوز افلاک و شمس و قمری خلق نشده بود که ایام را به گردش آنها حساب کنند. بنابراین این شش روز از ایام برزخی است که هر روز آن مانند هزار سال از دنیا است، چنانکه خداوند میفرماید إِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ.

و همانطور که در آیات و احادیث خواندیم، این شش روز به چهار قسمت تقسیم میشود، یعنی دو روز (یکشنبه-دوشنبه) برای زمین، یک روز (سه شنبه) برای آنچه که زمینیان بدان نیازمندند، دو روز (چهارشنبه - پنجشنبه) برای آسمان ها و یک روز (جمعه) برای آنچه که آسمانیان به آن محتاجند. و دو روزی که برای هر کدام گفته شد، یک روز برای خلق خود آسمان و زمین است و یک روز برای مابین آن دو.

و اما برداشت دیگر از یوم، همانطور که گفته شد رتبه ها و اطوار خلقت است، چنانکه در عالم صغیر نیز خلقت در شش مرحله (نطفه، علقه، مضغه، عظام، اکساء لحم و انشاء خلق الاخر) انجام شد و روز هفتم روز خروج او با اجزاء تمام و مراتب کامل است و ماتری فی خلق الرحمن من تفاوت.

بنابراین در عالم کبیر نیز:

عقل (اول ما خلق الله) مطابق نطفه است (روز اول یکشنبه)

روح مطابق علقه است (روز دوم دوشنبه)

نفس مطابق مضغه است (روز سوم سه شنبه)

ماده مطابق عظام است (روز چهارم چهارشنبه) طبع همان ماده است با این فرق که با مثال مناسبت ندارد چنانکه مرحوم کرمانی اع در رساله ای میفرماید **و الطبع هو المادة من حيث عدم الاقتران بالمثال .**

مثال مطابق اکساء لحم است (روز پنجم پنجشنبه)

و جسم مطابق انشاء خلق آخر است (روز ششم جمعه)

چنانکه مرحوم کرمانی اع میفرمایند:

ان العالم الصغير يخلق في ستة ايام و ماترى في خلق الرحمن من تفاوت يوم نطفه و يوم علقه و يوم مضغه و يوم عظام و يوم اكساء لحم و يوم انشاء خلق آخر و بذلك يتم خلقه الولد فكذلك خلقت السماوات و الارض في ستة اطوار من مبدء كينونتها الى تمامها يوم العقل و يوم الروح و يوم النفس و يوم المادة و يوم المثال و يوم الجسم و بذلك تم خلق العالم.

و این ها مراتبی است که نور خلق اول مرتبه به مرتبه در آنها تنزل کرده و با تنزل در جسم عالم کامل شد.

و اما در معنی دیگر شش مرحله خلقت، ایجاد قابلیت های جماد (نطفه- علقه)، معادن (مضغه)، نبات (عظام- اکساء لحم)، حیوان (نفخ روح) و انسان (نتیجه نهایی خلقت) است.

در آخر چهار روزی که خداوند میفرماید **و قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلنَّاسِ لِيْنِ** مراد میتواند چهار عنصر باشد، و بعضی از علماء و مرحوم کرمانی اع به چهار رفصل سال هم معنی کرده اند.